



باحکم فرمانده معظم کل قوا انجام شد
**انتصاب جانشین و معاون
هماهنگ کننده سپاه پاسداران**

پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری: حضرت آیت‌الله خامنه‌ای فرمانده معظم کل قوا در احکام جداگانه‌ای سردار درباردار پاسدار علی فدوی را به عنوان جانشین فرمانده کل سپاه و سردار سرتیپ بسیجی محمدرضا نقدی را به...

صفحه ۲

شنبه ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۸ • ۱۲ رمضان ۱۴۴۰ • ۱۸ می ۲۰۱۹

تنترها

تنش میان آمریکا و ایران
اختلاف میان بولتون و پمپئو را نمایان تر کرد

**اختلاف
در «محور وفاداران»**

صفحه ۷

رئیس مجلس نمایندگان آمریکا و نماینده ایران
در سازمان ملل خواستار شدند

**اطلاعات شناورهای ایرانی
را منتشر کنید**

صفحه ۱۵

**لایحه فسادستیزی
در راه مجلس**

صفحه ۵

**پارلمان اصلاحات
به انتخابات ۹۸ می‌رسد؟**

صفحه ۲

**آقای برانکو
جام نوش جان**

صفحه ۱۴

**اینک سیل
سوزان گرما**

صفحه ۱۳

حرف اول

**احکام شبهه‌انگیز زندان
برای سه نویسنده**

محسن حکیمی



شعبه ۲۸ «ادگاه انقلاب» بکتابش آبتین، کیوان بسازن و رضا خندان (مهابادی) را هر یک به شش سال و در مجموع به ۱۸ سال زندان محکوم کرده است. لازم نیست

حقوق‌دان باشیم تا تناقض نهفته در احکام صادر شده برای این نویسندگان را دریابیم. مبنای صدور این احکام سنگین دو اتهام «تبلیغ علیه نظام» و «اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی» است. یکی از مواردی که مصداق اتهام نخست شمرده شده بیانیه‌هایی است که در دفاع از آزادی بیان و مخالفت با سانسور نشریات صادر شده و این نویسندگان آنها را امضا کرده‌اند. روشن است که اعتراض به سانسور حداکثر می‌تواند به معنی مخالفت با مصادرات سانسورکننده باشد و از منظر حقوقی به‌هیچ‌وجه نمی‌توان آن را «تبلیغ علیه نظام» شمرد. اما ادله‌ای که برای اتهام سنگین‌تر دوم، یعنی «اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی» آورده شده از جمله اینهاست: عضویت در کانون نویسندگان ایران، انتشار نشریه داخلی کانون، گردآوری و انتشار اسناد و مدارک ۵۰ سال فعالیت کانون و حضور بر سر مزار احمد شاملو، محمد مختاری و جعفر پوپنده، نخستین نکته‌ای که حتی توجه افراد غیرحقوق‌دان – چه رسد به حقوق‌دانان – را به خود جلب می‌کند. این است که نفس «اجتماع و تبانی» که معمولا به قصد توطئه صورت می‌گیرد، مستلزم پنهان‌کاری است، حال آنکه هیچ‌یک از مصادیق بالا پنهانی نبوده و همه یکسره علنی بوده است.

ادامه در صفحه ۲

**برای درج تبلیغات خود در وبسایت
روزنامه شرق با ما تماس بگیرید**

دومین روزنامه پربازدید
ایران در فضای مجازی

۸۸۱۹۳۹۷۹-۸۸۱۹۲۸۷۷

sharghdaily.ir



۲ سناریوی محتمل تقابل ایران و آمریکا در خاورمیانه

ترفند از پیش طراحی شده پایان برجام

صفحه ۴

**گفت وگو با علیرضا بهشتی
درباره بهنگامی و نابهنگامی تصمیمات سیاسی**

اکنون چه باید کرد؟



مسئولان از عذرخواهی نترسند و گذشته را جبران کنند

شهید بهشتی از خلخالی تعهد گرفت که تدروی نکند

**جامعه مدنی زمانی تقویت می‌شود که دولت تنها
در امور ضروری دخالت کند**

صفحه ۶

یادداشت

هیچ کس حق کمک به من را ندارد!



امیر نظامی
معاون وزیر ارتباطات

بوده‌اند. این‌گونه مصوبات یعنی تثبیت رانت‌اندازی شخصی من نشان می‌دهد که بازسازی نظام اداری و بوروکراسی کشور، به‌شدت نیازمند تزریق نیروهایی باکیفیت‌تر از خارج از دولت است. نیروهایی که بتوانند با اتکای به دانش خود یا تجربه‌های بخش غیردولتی‌شان این بازسازی را تسریع و تسهیل کنند؛ درحالی‌که ترکیب این دو مصوبه یعنی تثبیت رسمی وضعیت فعلی!

خدا حافظ درهای چرخان: این مصوبه در حقیقت بستن راه بازسازی دولت در بلندمدت است. نظام اداری یا این‌گونه مصوبات تبدیل به بیماری شده است که ترجیح می‌دهد از کسی هم کمک نخواهد! این‌گونه مصوبات بستن راه‌های مدرن جهانی بر فراخوان‌دادن برای استخدام مدیران دولتی است! بستن راه‌هایی که بتوان از نیروهای توانمند بخش خصوصی بهره گرفت. بدون تعارف این مصوبات یعنی تضمین مدیریت آینده برای نیروهایی که بخش عمده آنها از طریق فرایندهایی غیرشفاف و شخصی و با اتکای به روابط شخصی وارد دولت شده‌اند. جابه‌جایی نیروی انسانی میان بخش حاکمیتی (دولت)، نهادهای مقررات‌گذار و ناظر) و بخش خصوصی که با اصطلاح «درهای گردان» (Revolving Doors) شناخته می‌شود، یک فرصت برای ارتقای دولت‌هاست. هرچند مانند هر پدیده دیگری، «درهای گردان» تهدیدهایی از جنس تعارض منافع را نیز به همراه دارد اما چشم‌پوشی از منافع یک پدیده به بهانه تهدیدهای آن یک نوع خودکشی است. بستن راه ورود به دولت، یعنی افزایش شکاف فعلی میان دولت و بخش خصوصی، «خودکشی از ترس» تجلی محافظه‌کاری بیش از نظام اداری کشور در سال‌های اخیر است.

یک پیشنهاد مکمل: پیشنهاد مشخص است؛ امکان جذب مدیران از طریق فراخوان‌های عمومی و کمیته‌های جذبی که بخشی از آنان از میان سازمان‌های مردم‌نهاد خارج از دولت نمایندگی می‌شوند. آنچه اردکانیان (وزیر نیرو) برای جذب پست‌های کلیدی وزارتخانه‌اش انجام داد و مورد استقبال جامعه نیز قرار گرفت؛ هرچند بی‌اعتمادی به دولت گسترده‌تر از آن است که تشویق جامعه را بتوان انتظار داشت. با این‌گونه مصوبات به سمت غیرممکن پیش خواهد رفت یا جامعه مخاطبش اندک خواهد شد. شاید لازم باشد مصوبه‌ای جدید فراهم شود که در آن امکان جذب حداقل یک سوم از مدیران در هر سطحی از طریق فراخوان و بر اساس شیوه‌ای شفاف و تعیین افراد کمیته جذب وجود داشته باشد.

ادامه در صفحه ۲

ظریف:

**مذاکره با آمریکا
غیرممکن است**

گروه سیاست: وزیر امور خارجه ایران روز گذشته در ادامه سفر خود به شرق آسیا، وارد چین شد و با همتای خود درباره برجام و آخرین تحولات بین‌المللی گفت‌وگو و تبادل نظر کرد. به گزارش ایسنا، محمدجواد ظریف در دیدار با «وانگ یی»...

صفحه ۱۵



سال شانزدهم • شماره ۳۴۳۰ • ۱۶ صفحه • ۴۰۰۰ تومان

سرمقاله

بخت آزمایی با آمریکا

احمد غلامی . سردبیر



با اینکه دولت و دستگاه دیپلماسی بر این باورند که باید از هرگونه مجادله و تعارض با آمریکا در منطقه اجتناب کرد، برخی از جریان‌های سیاسی غیررسمی اعتقاد دارند تعارض، نشانه قدرت است و باید به استقبال آن رفت و از آن روی برگرداند. این جریان، مقابله را تنها راه برون‌رفت از هژمونی آمریکا می‌داند. در این استراتژی، خصومت آمریکا با ایران یا برعکس خصومت ایران با آمریکا بختی است که باید با «ویرتو» (شجاعت سیاسی) عجين شود. از رهگذر این دیدگاه، ویرتو در مواجهه با تعارض محک می‌خورد و این استعاره‌های درهم‌تنیده بخت-ویرتو در چارچوب مناسبات قدرت تداوم پیدا می‌کند که هر یک موجب اقتدار و بقای دیگری هستند. اقتدار و بقایی که نشئت‌گرفته از فرصتی است که ویرتو به دست آورده و آن را مغنم شمرده است. با این برداشت از سیاست، انفجار کشتی‌های نفت‌کش در بندر فجیره و انفجار خط لوله نفتی عربستان توسط حوثی‌ها، همان فرصت یا بختی است که آن را باید مغنم شمرد. این رویکرد، چندان سختیتی با دیدگاه دولت و دستگاه دیپلماسی آن ندارد و در ظاهر دوگانه‌ای را به‌وجود می‌آورد که نشان می‌دهد سیاست بین‌الملل ایران دچار شکاف است، اما این‌گونه نیست. جریان‌های غیررسمی مترصد بهره‌برداری از بخت یا فرصت‌اند و دستگاه دیپلماسی در کمین نشسته است و باور دارد که به تعبیر اسپینوزا «در طبیعت هیچ شیء فردی وجود ندارد که شیء دیگر به‌لحاظ توان و قدرت بر آن پیشی بگیرد. شیء مذکور هرچه باشد شیء قدرتمند دیگری وجود دارد که آن را از میان بردارد». تکیه‌گاه این اندیشه بر چالش استوار است. گویا چنین مقدر شده که خواه شیء، خواه فرد در این رابطه گرفتار باشد. از این‌رو دستگاه دیپلماسی تصمیم دارد با وجود تحریم‌های سنگین آمریکا دوام بیاورد تا انتخابات آمریکا در اوایل سال آینده فرابرسد. دولت و دستگاه دیپلماسی باور دارند با شکست احتمالی ترامپ در مذاکرات کره شمالی و جنگ قدرت در ونزوئلا دست بالا را پیدا خواهند کرد و دولت جمهوری‌خواهان در مصاف انتخاباتی با دموکرات‌ها دچار بحران و تباهی خواهند شد. در این مصاف نتیجه هرچه باشد و هر دولتی که روی کار بیاید، شاید به سه مطالبات برحق ایران تن بدهد. پس استراتژی ایران، ایستادگی و پایداری و نشستن در کمین بحران و تباهی است، به تعبیر اسپینوزا «اگر در موضوعی واحد دو فعل متضاد برانگیخته شود، ضرورتاً باید در هر دو با فقط در یکی از آنها تغییری رخ دهد تا تضاد آنان با یکدیگر متوقف شود». می‌توان گفت غلبه یک تضاد بر دیگری، استراتژی دیپلماسی رسمی ایران است. دیپلماسی غیررسمی بر آن است تا بخت‌های به‌وجودآمده را واقع‌گرایانه بفهمد و بر آن مسلط شود. این کار به‌درستی صورت نخواهد گرفت مگر با آمادگی کامل برای مواجهه با مجموعه‌ای متنوع و چندوجهی از رخدادها. به تعبیر ماکیاوولی مواجهه با رودخانه خطرناک: «من بخت را با یکی از آن رودخانه‌های خطرناکی مقایسه می‌کنم که وقتی به خروش درآید، در دشت‌ها سیل جاری سازد، و درختان و بناها را خراب کند. همگان از مقابل آن می‌گریزند، همه به ضربت آن راه می‌دهند؛ بی‌آنکه قادر باشند هیچ شیوه‌ای متوقفش کنند. اما این بدان معنا نیست که هنگامی که رودخانه سیلابی نیست آدمیان نمی‌توانند از طریق آب‌بندها و سدها دست به اقدامات احتیاطی بزنند». از این جملات این نتیجه برمی‌آید که بخت، صاحب‌اختیار نیمی از اعمال ما است و نیمی دیگر از آن ما است و اگر ویرتو با بخت عجين شود کل اعمال در بد قدرت ما خواهد بود. دستگاه دیپلماسی و نیروهای سیاسی غیررسمی دو کارکرد متفاوت در سیاست داخلی و خارجی دارند. کارکردی متضاد که به نتیجه‌ای یکسان منتهی می‌شود. آنچه این نیروها را توانمند می‌کند، دست بر قضا اصالت در اختلافات و تضادهایشان است. از رهگذر همین تضادهاست که سیاست داخلی و خارجی، پویا و گاه‌ترنش است. دو رویکرد، دو توان، که دو مواجهه برمی‌انگیزد. دوگانه قدرتی که شاید آنتاگونیسم خود را در سیاست داخلی تا حدودی از دست داده است اما در سیاست خارجی هم‌چنان پابرجاست. دور از انتظار نیست که پویایی نشست‌گرفته از تضاد در سیاست خارجی، در بزنگاه به سیاست داخلی نیز سرایت کند و آن را در شکل و قالبی دیگر احیا سازد. اصالت این تضادها گاه چنان شدید است که ناخوسته‌توافقی بروز پیدا می‌کند و مخالفان و منتقدان را در باورهای خود به تردید وامی‌دارد. استعفاي ظریف، دم‌دستی‌ترین این نمونه‌هاست.

ادامه در صفحه ۲

یادداشت

ماهیت موقتی تدابیر، تصمیمات راهبردی



ابراهیم حاجیانی
عضو هیئت علمی دانشگاه

و اوضاع و احوال تغییر می‌کنند. البته گاهی این تغییرات ارادی و آگاهانه هستند و گاهی بالاجبار و تحت شرایط خاص. حکایت موقتی‌بودن تصمیمات معمولاً بر پایه میزان هوشمندی سیستم‌ها تعریف و معین می‌شود. هرچه سیستم هوشمندتر باشد و توانایی درک و فهم تغییرات محیطی اطراف خود را داشته باشد، به سرعت و سهولت بیشتری توانایی انطباق و سازگاری با شرایط جدید را خواهد داشت و بهتر می‌تواند از فرصت‌ها و تحولات پیش‌رو بهره‌برداری کند. این ویژگی تعریف اصلی هوش را تشکیل می‌دهد؛ یعنی هوشمندی سیستم‌ها بستگی به اندازه توانایی و میزان انطباق آنها با تغییرات محیطی دارد؛ اما دولت‌ها و نگاه‌هایی که فاقد توانایی درک تغییرات در شرایط و زمان مناسب باشند، منابع و امکانات خود را دچار فرسایش تدریجی می‌کنند و قدم در راه اضمحلال و تجزیه خود خواهند گذاشت. از سوی دیگر باید تصریح کرد ماهیت نسبی و موقتی‌بودن نظام تدابیر به موضوع عدم‌قطعیت‌ها و وجود دنیای سرشار از ناشناخته‌ها نیز مربوط می‌شود. دامنه شناخت مدیران و تصمیم‌گیرندگان از روندها و پدیده‌ها همواره با نایقینی روبه‌رو است؛ به‌ویژه آنکه اگر موضوع تصمیمات اجتماعات، گروه‌ها، کشورها و سوزه‌های انسانی باشند که می‌توانند به‌سهولت از اهداف، نیات و برنامه‌های خود حفاظت کنند و در نتیجه با گمراه‌کردن و فریب بر دامنه ناشناخته‌ها و نایقینی‌های تصمیم‌گیرندگان رسمی بیفزایند. منشأ ابهامات موجود در نظام تصمیم‌سازی، معمولاً به عدم‌قطعیت‌های فاعلی و مقعولی مربوط می‌شود.

ادامه در صفحه ۲

خبر به وقت شرق



به
تلگرام شرق
پیوندید

@sharghdaily